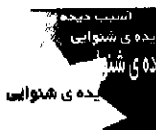


ضرورت زبان آموزی به روش محاوره



(ویژه کودکان دچار نقص شنوایی)



نویسنده: زهرا رضوانی دهاقانی



مسئله چگونگی «بهترین و مؤثرترین روش زبان آموزی به کودکان دچار نقص شنوایی» از دیر باز ذهن دست‌اندرکاران و مریبان کودکان ناشنوا را به خود مشغول نموده است.

در ارتباط با این مسئله دو رویکرد عمده یعنی رویکرد ساخت‌گرایانه یا دستوری و رویکرد طبیعی یا محاوره‌ای مطرح شده است.

در رویکرد ساخت‌گرایانه، آموزش کاملاً مستقیم بوده و اجزای زبان و ساختارهای دستوری مستقیماً آموزش داده می‌شوند ولی در رویکرد طبیعی یا محاوره‌ای اینگونه نیست بلکه کودک این رویکرد را تلویحاً و در خلال تجارب روزمره خود کسب می‌نماید.

البته در برنامه‌های زبان آموزی هیچ‌یک از دو رویکرد مذکور به تنهایی به کار گرفته نمی‌شوند بلکه میزان تأکید بر هر یک از این رویکردهاست که برنامه‌های زبان آموزی را به طور عمده از یکدیگر متمایز می‌سازد. برای برگزیدن یک رویکرد مؤثر در آموزش زبان، قبل از هر چیز می‌بایست هدف اصلی از زبان آموزی را مورد بررسی و تحلیل قرار داده و آن را مشخص نمود.

بدیهی است هدف‌غایی از زبان آموزی به کودکان دچار نقص شنوایی، هدایت ایشان به سوی توانش زبانی در برقراری ارتباط به حد لزوم و کفایت و خلاقیت زبانی می‌باشد.

برای نیل به این هدف، رویکرد طبیعی یا محاوره‌ای،

رویکرد مؤثرتری به نظر می‌رسد در تأمین هدف نهایی یعنی کفایت در برقراری ارتباطی موفق‌تر می‌باشد.

چراکه در برنامه‌های مبتنی بر رویکرد ساخت‌گرایانه و دستوری، به علت پرداختن بیش از حد به عناصر، قواعد و ساختارها، هدف اصلی مهجور مانده و توانایی کودک به تقلید طوطی‌وار و استفاده کلیشه‌ای و گاه از اوقات نابجای آموخته‌ها ختم می‌شود.

روش محاوره (رویکرد طبیعی)

رویکرد زبان طبیعی در سال ۱۹۵۸ و توسط میلدر گرونت^۱ ارائه شد.

به اعتقاد گرونت، هدف اصلی زبان برقراری ارتباط می‌باشد و کودکان دچار نقص شنوایی باید در خلال برقراری ارتباطی که به طور طبیعی در محیط صورت می‌پذیرد، در معرض مواجهه با یادگیری زمان قرار گرفته و تلویحاً به این هدف دست یابند.

در آموزش زبان با رویکرد طبیعی و محاوره‌ای همواره باید چند اصل کلی را مورد توجه قرار داد.

اول اینکه اهداف زبانی نباید صرفاً به شکل زبان یا جنبه‌های واجی و ساختارهای نحوی منحصر شوند.

باید به این نکته توجه داشت که انگیزش اولیه کودک در فراگیری زبان معنایی است نه نحوی، یعنی کودکان ابتدا در مورد اشیاء و رویدادهای اطراف تجاربی



1- Mildreol Groht

۲- کاکوجویاری، علی اصغر، هوسیان، آلس. آموزش محاوره آموزش صرف، نحو زبان به کودکان دچار نقص شنوایی (۱۳۷۸، ص ۲۲)

کسب نموده و سپس در صدد آن برمی آیند تا الگوهای بی برای کدگذاری این تجارب بیابند.

همچنین باید توجه نمود که به کارگیری مناسب این اشکال و معانی متناسب با بافتها و موقعیتهای مختلف موجب می شود کودک به برقراری یک ارتباط مؤثر توفیق می یابد.

چنانچه قبلاً نیز اشاره شد پرداختن بیش از حد به شکل زبان، بدون توجه به معنا و کاربرد آنها کودکان را به تقلید طوطی وار و بی هدف کلمات و جملات سوق می دهد.

لذا مربی باید شرایطی فراهم نماید تا کودک دریابد هر شکل و معنا را باید متناسب با شرایط و موقعیتهای مختلف به کار گیرد.

خلاصه اینکه برنامه ریزیها و مداخلات مربی باید بگونه ای طراحی شوند که عناصر تشکیل دهنده زمان یعنی شکل^۱ محتوا^۲ و کاربرد^۳ متناسب با یکدیگر توسعه یابند.

اصل دیگری که در رویکرد طبیعی مورد توجه قرار

می گیرد این است که بکارگیری راهبردهای مداخله گرانه باید متناسب با مراحل رشد طبیعی زبان طراحی شوند و این مراحل، همواره باید در

برنامه ریزیها مد نظر قرار گیرند. چرا که رشد زبان مانند سایر جنبه های رشد کودک تابع سلسله مراتب می باشد. به عبارتی رشد زبان در تمام کودکان دنیا، با

الگو و برنامه واحدی جریان می یابد و هر کودک با هر ملیت و زبان^۴ این مراحل را به ترتیب یکی پس از

دیگری طی می نماید.

بنابراین مداخلات آموزشی باید بگونه ای طراحی شوند که کودک ناشنوا بتواند توانایی بالقوه خود را از زبان آموزی در بستری طبیعی و مناسب به کار گرفته و مراحل رشد زبان را هر چند با تأخیر ولی با روندی طبیعی طی نماید.

اصل دیگری که در رویکرد طبیعی مورد توجه قرار می گیرد این است که باید به خاطر داشت که کودکان زبان را از طریق برقراری ارتباط کسب می نمایند.

هیچ کودکی برای یادگیری زبان تحت آموزش قرار نمی گیرد بلکه با قرار گرفتن در بافت اجتماع و هنگامی که سایرین به برقراری ارتباط با او می پردازند، یادگیری زبان را کسب می نماید و به تدریج درمی یابد که می تواند عقاید، خواسته ها و تجارب خود را از طریق برقراری ارتباط ارائه نماید.

بر این اساس، خانواده بعنوان اولین بافت اجتماعی که کودک در آن قرار دارد می تواند نقش مؤثری را در

۱- در حقیقت شکل، ساختار کلمات یا جملات مطرح است و به عبارتی دیگر، این جنبه از زبان قواعدی را شامل می شود که حاکم بر صداها و ترکیب آنها هستند (واج شناسی)، قواعدی که حاکم بر ساختار درونی کلمات هستند (صرف) و قواعدی که مشخص می کنند چگونه باید کلمات را با یکدیگر ترکیب کرد تا به جملات مختلف دست یافت (نحو)

۲- در جنبه ی محتوا، ارتباط ساختارها با مفاهیم و معانی که این ساختارها در زبان آنها هستند، مطرح است. این جزء از زبان در ترکیب بدنی معنی و بیان دهنده ی دانش فرد در مورد اشیاء، حوادث، مردم و روابط بین آنهاست و نیز قواعد حاکم بر معنی را شامل می شود

۳- حسدی کاربرد زبان شامل آگاهی و دراز به کارگیری یک شکل و معنای خاص در یک موقعیت مناسب است.

(کاکه جویباری، علی اصغر، هوسیان، آلیس، روش محاوره آموزش صرف و نحو زبان به کودکان دچار نقص شنوایی، ۱۳۷۸، ص ۴ و ۵)

۴- تلفظ ابادی، حسین روانشناسی رشد زبان، ۱۳۶۵، ص ۱۷۹



رشد زبان کودک ایفا نماید.

طبیعی می‌پردازیم.

این نکته در مورد کودکان دچار نقص شنوایی نیز صدق می‌نماید. یعنی این کودکان نیز با قرار گرفتن در یک بافت طبیعی و به منظور ارائه عقاید، نیازها و تجارب خود و نهایتاً برقراری ارتباط، یادگیری زبان را کسب می‌نمایند و در این میان خانواده به عنوان یک بافت طبیعی مناسب می‌تواند سهم عمده‌ای را به خود اختصاص دهد.

اصل بعدی بیان می‌دارد که هدف نهایی از رشد زبان، توانش ارتباطی است و هنگامی می‌توان به موفقیت یک برنامه زبانی اذعان نمود که کودکان علاوه بر توانش زبانی به توانش ارتباطی نیز نایل آیند. به عبارت دیگر چنانچه قبلاً نیز اشاره شد نباید با پرداختن بیش از حد به اجزاء و ساختارهای زبانی از هدف غایی که همانا توانش ارتباطی است غافل ماند، بلکه باید کودک را به سمتی هدایت نمود که بتواند توانمندی زبانی خود را بعنوان وسیله‌ای جهت ارائه عقاید و تجارب خود به کار گرفته و ارتباطی مؤثر و مناسب، با اجتماعی برقرار نماید.

حال که اجمالاً به اصول کلی آموزش زبان در رویکرد محاوره‌ای پرداختیم باید به این سؤال پاسخ دهیم که «راهِبردها و برنامه‌ریزیهای مداخله‌گرانه ما باید واجد چه ویژگیهایی باشد تا بتوانیم کودکان دچار نقص شنوایی را به سمت نیل به هدف غایی زبان‌آموزی هدایت نماییم؟»

لذا در این بخش به تشریح ویژگیهای روش محاوره‌ای

ویژگی عمده‌ای که باید به آن اشاره نمود (چنانچه از نام این روش برمی‌آید) طبیعی بودن بافتی است که کودک در خلال آن به اکتساب یادگیری زبان نایل می‌گردد.

در این رابطه، مربی باید حتی‌المقدور از رویدادهای روزمره و گاه اتفاقی حداکثر استفاده را نموده و به بسط و گسترش دانش زبانی کودکان بپردازد.

این نکته خصوصاً در مورد کودکان در سنین پایین حائز اهمیت می‌باشد.

از آنجایی که سنین پیش از دبستان از اهمیت فوق‌العاده‌ای در زبان‌آموزی برخوردار می‌باشند، زبان‌آموزی کودکان دچار نقص شنوایی، باید از بدو تشخیص نقص شنوایی با جدیت آغاز گردد. (هر چند معمولاً مادران قبل از آگاهی از نقص شنوایی فرزند خود به گونه‌ای غریزی، زبان‌آموزی طبیعی را به کودک خود آغاز نموده‌اند)

تا زمانی که کودک برای حضور در مراکز آموزشی آمادگی لازم را کسب نماید، باید والدین و خصوصاً مادر را با ویژگیها و مزایای روش محاوره آشنا نمود. همچنین باید به او خاطر نشان ساخت که نباید به تصور اینکه کودک دچار نقص شنوایی از درک سخن اطرافیان ناتوان است، او را از این نیاز طبیعی محروم نماییم.

مادر یک کودک دچار نقص شنوایی بیشتر از هر مادر دیگر باید با کودک خود سخن بگوید و موضوع این





به نمایش می‌گذارد. در روشهای ساخت‌گرایانه که این ویژگی مهم نادیده گرفته می‌شود، کودکان دچار نقص شنوایی، آموخته‌های خود را صرفاً در کلاس و در چارچوبی خاص ارائه نموده و از تعمیم آنها به شرایط مشابه ناتوانند.

ویژگی دیگر این روش، فراهم نمودن شرایطی جهت برانگیختن انگیزه کودک و ناگزیر نمودن او در به کار گیری رفتارهای کلامی می‌باشد.^۱

انگیزه اولیه مربیان گفتاری، نیازی به ضابطه‌مندی چیزی در قالب گفتار است و انگیزه آغازین هر چه که باشد، آن چیزی است که در ورای هر گفتار نهفته است و اگر هیچ انگیزه آغازین در کار نباشد گفتاری صورت نخواهد گرفت.

در این روش، کودک این نیاز را احساس می‌نماید که باید برای ارائه نظرات و تجارب خود، رفتارهای کلامی را به کار گیرد و در نهایت کودک تلویحاً درمی‌یابد که هدف و مقصودی از برقراری ارتباط وجود دارد.

در رویکرد ساخت‌گرایانه، کودک در شرایطی قرار نمی‌گیرد که برای ابراز خواسته‌های خود به برقراری ارتباط ناگزیر شود و اصولاً هیچگاه در این خصوص احساس نیاز نمی‌کند و بالطبع هیچگاه از علت بکارگیری واجها، کلمات و جملات آگاه نشده و استعمال کلمات و مرتب نمودن آنها در قالب جمله

صحبت باید راجع به تمام اشیاء، رویدادها و وقایع اطراف باشد هر شیء یا موضوعی که توجه خردسال دچار نقص شنوایی را به خود جلب نماید، بهترین وسیله آموزشی به شمار می‌رود.

گاهی، مادران و مربیان کودکان خردسال دچار نقص شنوایی به اشتباه او را ملزم می‌نمایند که توجه خود را از شیء یا رویداد مورد نظرش به شیء یا رویدادی معطوف نماید که مادر یا مربی در صدد آموزش آن می‌باشد.

باید اذعان نمود که این شیوه، شیوه‌ای نادرست است و نه تنها باعث رشد زبانی کودک نمی‌شود بلکه می‌تواند موجب دلزدگی، خستگی و از دست دادن انگیزه او گشته و صدمات جبران ناپذیری بر روح حساس کودک خردسال وارد آورد.

مربی علاوه بر استفاده از رویدادهای روزمره و اتفاقی می‌تواند اهداف آموزشی خود را در خلال فعالیتهایی که تا حد امکان به شرایط طبیعی شباهت دارند بگنجاند. به عبارتی یک مربی حاذق و خلاق شرایط طبیعی را به گونه‌ای هنرمندانه بازسازی می‌نماید.

در این رابطه مربی می‌تواند از بازیهای گوناگون، نمایش، داستان‌گویی، و ... که معمولاً برای کودکان جالب و جذاب هستند استفاده‌ای مؤثر بنماید.

چنانچه این ویژگی مهم یعنی طبیعی بودن شرایط و بافت، کاملاً مد نظر قرار گیرد، کودک به خوبی آموخته‌های خود را به شرایط مشابه تعمیم داده و توانش زبانی و ارتباطی خود را در موقعیتهای مناسب

۱- لورید، آکساندرومانوویچ ترجمه: قاسمزاده زبان و شناخت، ۱۳۶۸. ص





برای او به نوعی بازی با کلمات بدل می‌گردد.

ویژگی دیگر روش محاوره این است که در این روش فعالیتها، در شرایطی متناسب با نیازهای فردی فرهنگی و اجتماعی کودک ارائه می‌گردند.

در این روش، راهبردهای آموزشی با تواناییهای زبانی و شناختی کودک هماهنگی کامل داشته و از علائق و تجارب کودک حداکثر استفاده بعمل می‌آید و نیازهای طبیعی و عاطفی وی در این خصوص تأمین می‌شوند به گونه‌ای که کودک در شرایطی آرامش بخش و مطمئن، فرصت ابراز وجود می‌یابد و به تدریج به سوی کفایت در برقراری ارتباط گام برمی‌دارد.

ویژگی دیگر روش محاوره این است که در این روش، برقراری ارتباط، روندی دوسویه و فعال انگاشته می‌شود و کودک بعنوان چیزی از اجزای فرایند برقراری ارتباط می‌تواند به تناسب، گاهی در نقش فرستنده و گاهی در نقش گیرنده پیام مطرح شود.

به عبارتی، مربی تنها به انتقال مجموعه‌ای از مطالب نمی‌پردازد بلکه در خلال تعامل با کودک، شرایط را برای اکتساب یادگیری زبان توسط وی، هموار می‌سازد. برای به کارگیری مؤثر روش محاوره‌ای آشنایی دقیق با این روش هر چند لازم است ولی کافی نیست.

یک مربی تنها هنگامی می‌تواند این روش را به گونه‌ای مؤثر به کار گیرد که هنرمندانه و خلاق و با بهره‌گیری از هر فرصت به دست آمده به شکوفایی استعداد زبانی کودکان اقدام نماید.

با توجه به مباحث فوق این نکته که ضرورت زبان



آموزی به روش محاوره در مقایسه با سایر روشها، در تأمین اهداف زبان‌آموزی به کودکان دچار نقص شنوایی موفق‌تر عمل می‌نماید بر کسی پوشیده نیست.

منابع

۱- کاکوجویاری، علی‌اصغر. هوسپیان، آلیس «روش محاوره آموزش صرف و نحو زبان به کودکان دچار نقص شنوایی». تهران: سازمان آموزش و پرورش استثنایی، ۱۳۷۸.

۲- لوریا، الکساندر و مانویچ. ترجمه: حبیب‌الله قاسم‌زاده. زبان و شناخت. تهران: فرهنگان، ۱۳۶۸.

۳- لطف آبادی، حسین. روانشناسی رشد زبان. مشهد: آستان قدس، ۱۳۶۵.

